بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[آب‌وهوا در اجرای حد 2](#_Toc425549672)

[تفاوت آب‌وهوا در نقاط مختلف 2](#_Toc425549673)

[احتمالات در بحث 2](#_Toc425549674)

[علیت یا حکمت بودن 3](#_Toc425549675)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc425549676)

[شاهد دوم بر مبنای متخذ 4](#_Toc425549677)

[جمع‌بندی 4](#_Toc425549678)

[فرع هفتم: سرزمین‌های دائم الاعتدال 4](#_Toc425549679)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc425549680)

[فرع هشتم: سرزمین‌های قطبی 5](#_Toc425549681)

[جمع‌بندی 5](#_Toc425549682)

[فرع نهم: ممنوعیت زمان‌های دیگر 5](#_Toc425549683)

[حکم سایر فصول سال 6](#_Toc425549684)

[اعتدال هوا در شتاء و صیف 6](#_Toc425549685)

[عرفیت فوریت 6](#_Toc425549686)

# آب‌وهوا در اجرای حد

در مسئله یازدهم عرض کردیم که سه فرع مطرح شده است. فرع اول در این بود که حد را باید در هوای معتدل اقامه کرد. ذیل این مسئله بعد از اینکه اصل بحث و مستندات و ادله بحث را متعرض شدیم. تذییلات و فروعات جزئی بود. در ذیل این مسئله اعتدال هوا این سؤال است که اگر در تابستان با وسایل جدید و خنک‌کننده فضای خنکی را فراهم کردند یا در زمستان فضایی که می‌خواهد حد اقامه بشود فضای گرم و مناسبی را تمهید کردند، آیا باز این حکم باقی است یا نیست؟

## تفاوت آب‌وهوا در نقاط مختلف

طبیعی است در اینجا طبق آنچه بحث شد، نبایست حد را اجرا کرد، بلکه باید در وقت معتدلی باشد. اما اگر آمد این شرایط اعتدال هوا به صورت مصنوعی ایجاد شد، آن حکمش چیست؟ الان خیلی راحت است، سالن‌های بزرگی با وسایل خنک‌کننده و گرم‌کننده هوا کاملاً معتدل می‌شود، بعد هم برای شخص فرقی نمی‌کند. در همان‌جا نگهداری می‌شود یا هر جا که باشد، همین وضعیت را دارد. این است که آیا این حکم اختصاص دارد به سرزمین‌های گرم و سرد که الان معمولاً شهرهایی که ما هستیم این‌طور است تابستان گرمی دارد زمستان سردی دارد؟ یا به نسبت همه سرزمین‌ها هست و در هر جایی به نسبت خودش. مناطقی وجود دارد که اصولاً هوا در آن معتدل است، در همه فصل‌های سال هوا خیلی تغییرات زیادی ندارد. تابستان و زمستانش تفاوت درجات آن کم است.

غیر از مناطق قطبی و این‌ها که روز و شب‌های خاصی دارد. در سایر مناطق دنیا این‌طور است که میانگین درجه هوایش متفاوت است. اینجا با آفریقا و اروپا متفاوت است، درهرحال روزشان متفاوت است، درجات هوا در روز تفاوت دارد. یعنی هم زمستان دارند، هم تابستان دارند، هم هوا تغییر پیدا می‌کند. روز و شب و ساعات روز و شبشان درجاتش متغیر است.

## احتمالات در بحث

دو احتمال در اینجا وجود دارد. احتمال اینکه بگوییم نه، حکم اختصاص دارد به سرزمین‌های که متعارف آن همان متعارف مکه و مدینه است، کشورهایی مثل کشورهای ما که زمستان سرد و تابستان گرم دارد و احتمال اینکه بگوییم حکم عمومیت دارد و همه کشورها و سرزمین‌ها را دربر می‌گیرد. مبنای این دو احتمال این است که ما این امر را علت می‌گیریم یا حکمت. البته این نکته را اضافه کنم که این بحث‌ها در صورتی است که ضرری یا خوف تلفی وجود نداشته باشد، والا در مواردی که احتمال و خوف تلف وجود دارد، باید تأخیر بیفتد.

 اینجا بحث این سرزمین و آن سرزمین و آن سرزمین نیست. خصوصیات مکانی و درجه هوا و این حرف‌ها همه عوامل ثانوی است، در هر جایی، در هر شرایطی اگر در زدن حد و اقامه حد ضرر فوق متعارف است یا خوف هلاکت و تلف شخص است، طبیعتاً باید تأخیر انداخت، اینجاوآنجا ندارد.

### علیت یا حکمت بودن

اینجا سؤال این است که این علت است یا حکمت است؟ اگر ما گفتیم که این بحث اقامه حد در اعتدال هوا علت قضیه است و ملاک این است که باید هوای معتدلی وجود داشته باشد، عرفاً اگر این را علت و موضوع گرفتیم، اعتدال هوا را موضوع گرفتیم. اجرا نمی‌شود اگر به نحوی مصنوعی هوا معتدل شد، اجرا می‌شود. اگر در یک سرزمینی بود که هوای او اصلاً تابستان و زمستانش معتدل است اجرا می‌شود. اما اگر گفتیم نه، این حکمت قضیه است و موضوعیت با شتاء و صیف است و اینکه در شتاء بایستی فی احر ساعه باشد و در صیف فی ابرد ما یکون النهار باشد، اگر این را قرار دادیم، موضوع همین است. طبعاً در اینجا همان حکم تسری پیدا می‌کند.

 به عبارت دقیق‌تر، دیگر کار به علت و حکمت در اینجا نداریم. چون این بحث‌ها در روایات خیلی نبود. سؤالی که اینجا وجود دارد، سؤال بنیادی و مبنایی و تأثیرگذار در پاسخ به این سه فرع این است که موضوع این حکم چیست؟ دقیق‌تر قضیه این است که حکم وجوب تأخیر تا ساعات معتدل موضوع چیست؟ اینجا دو احتمال است. یک بار می‌گوییم موضوع این است که در هوای معتدل حد را جاری بکن. این موضوع است. آن شتاء و صیف و فلان ساعت و فلان ساعت همه می‌شود عناوین. یک احتمال هم این است که موضوع شتاء و صیف است. می‌گوید در شتاء و زمستان در ساعات گرم اجرا بکن. در تابستان هم در ساعات خنک اجرا بکن. اگر این موضوع شد، ولو شما هوای معتدلی ایجاد بکنید، فایده ندارد، موضوع این است که می‌گوید الان زمستان است، چه بیرون هوای معتدل، چه در سالن بزرگی که با وسیله‌ای هوا معتدل شده، برای اینکه حکم حد اجرا بکنند، به‌هرحال الان زمستان است و دلیل می‌گوید در زمستان باید در ساعات گرم و نسبتاً گرم روز اجرای حد کرد. یا الان تابستان است و دلیل می‌گوید موضوع همین است، در تابستان فی ابرد اوقات النهار حد اجرا شود، این موضوع است.

### اتخاذ مبنا

 اگر این دومی باشد، طبعاً این در هوای معتدل شده با وسایل ماشینی و جدید اجرا می‌شود، چون موضوع این است که الان تابستان یا زمستان است. این فرض جایی مطرح نشده است و تصمیم‌گیری بین این دو احتمال و مبنایی که موضوع این فروع است، یک مقدار دشوار است. ولی ما با دو نکته و دو شاهد درواقع در آن بخش اول یعنی آنجایی که هوا معتدل سازی شده است، می‌گوییم باید در تابستان در وقت خنک و در زمستان در وقت گرم حد اجرا بشود و به فضای معتدل سازی شده نمی‌شود اکتفا کرد. یکی اینکه ظاهر این سه روایتی که قبلاً ملاحظه کردید، همان عنوان شتاء و صیف است. آن اعتدال هوا و این‌ها تعابیری است که در روایات نیامده است و در کلمات فقها این تعبیر آمده است. آنی که در روایت آمده است، و اصل در دلیل همین موضوع باشد.

### شاهد دوم بر مبنای متخذ

شاهد دوم این است که ممکن است کسی بگوید که نه، ما اینجا دست از موضوعیت برداریم. وقتی نگاه به عرف می‌کنیم، این کنایه است و اشاره است به زمان اعتدال و عدم اعتدال. ممکن است کسی بگوید اشاره به کنایه بکند یعنی عرف از این حدیث این برداشته می‌کند و موضوعیت برای خصوص شتاء و صیف قائل نیست. اگر کسی این را بگوید که بخواهد شاهد اول را سست کند، آن وقت شاهد معین دوم را عرض می‌کنیم. شاهد معین دوم این است که این دست برداشتن از موضوعیت در اینجا در حد اطمینان نیست. چون وقتی ما می‌توانیم به یک دلیل این عناوینی که در دلیل آمده، موضوعیت ندارد. بلکه اشاره به یک موضوع دیگری است. موضوع واقعی همان اعتدال و عدم اعتدال هواست. وقتی می‌توانیم این ادعا را بکنیم که قرائن متقنی در این طرف وجود داشته باشد. حداقل این است که شک بکنیم اگر اولی را نگوییم. شک که کردیم آن وقت قاعده درع در اینجا می‌آید.

### جمع‌بندی

بنابراین ما اولاً می‌گوییم اصل، موضوعیت همین است و این اطلاق دارد، همه صور را می‌گیرد. ثانیاً اگر کسی تقویتی بکند به اینکه موضوع همان اعتدال و عدم اعتدال است. می‌گوییم درواقع این در حد شاید است. و باوجوداین شاید شبهه پیدا می‌شود که در هوای معتدل سازی شده ظهر تابستان یا معتدل سازی شده صبح زمستان می‌توان اقامه حد کرد یا نه؟ این یک شبهه در کار است و تدرع الحدود بالشبهات می‌گوید نه، اجرا نمی‌شود. این دو دلیل و قرینه و شاهد بر اینکه در هوای معتدل سازی شده نمی‌شود حد را اقامه کرد، باید اگر زمستان است، در ظهر و وسط‌های روز و اگر تابستان است، فی طرفه النهار باشد.

## فرع هفتم: سرزمین‌های دائم الاعتدال

فرع هفتم مربوط سرزمینی که اصولاً تابستان و زمستانش هوای معتدلی دارد. سرزمین‌هایی هست که تابستان و زمستانش تفاوت درجه آن ده، پانزده درجه است. مثل عربستان و ایران و کشورهای این شکلی نیست که تفاوت درجه آن چهل درجه تفاوت داشته باشد و تابستان بیاید تا نزدیک پنجاه و زمستان بیاید زیر صفر، این‌طور نیست که نامتعادل باشد. این هم مبنایش همین بحث است، آیا ملاک و مبنا همین بحث است، موضوع اعتدال و عدم اعتدال هواست؟

 اگر این باشد، آن وقت آنجا هوا معتدل است. یا اینکه موضوع همین خود شتا و سیف است. ظاهراً در اینجا باز هم آن دو وجه جاری است. ظاهر دلیل شتا و صیف است. شتا و صیف متفاوت و نسبی است. یعنی شتا و صیف زمستان و تابستان ایران، با حجاز، با آفریقا، با اروپا، با قاره آمریکا اصولاً متفاوت است. ولی درهرحال، هر جایی که زمستان و تابستان دارد، ظاهر این دلیل موضوعیت زمستان و تابستان است. به تناسب خودشان که آدم‌ها در آنجا با این هوا خو گرفتند، برای خودشان است.

### اتخاذ مبنا

همین دو دلیل در اینجا می‌آید، می‌گوید اولاً موضوع ظاهر دلیل موضوعیت شتا و صیف است و هر آنجایی که شتا و صیف داشته باشد، دلیل می‌گوید که فی احر ساعه، فی ابرد ساعه و ثانیاً اگر شک کنیم بگوییم شاید این موضوعیت نداشته باشد. اشاره باشد به همان اعتدال و عدم اعتدال هوا. کافی است شک و شبهه ای در کار باشد، اطمینان به این پیدا نمی‌کنیم که قطعاً بشود موضوع را اعتدال گرفت. چون نمی‌توانیم آن را بگیریم و موضوع را تغییر بدهیم، لذا تدرع الحدود بالشبهات می‌گوید غیر از این وقت اجرا نکن.

## فرع هشتم: سرزمین‌های قطبی

فرع هشتم مربوط به سرزمین‌های قطبی، جاهایی که شب طولانی و روز طولانی دارد، است. ظاهراً دلیل می‌گوید شتاء و صیف موضوعیت دارد، ولی از آنجا انصراف دارد. یعنی جایی که روز طولانی شش ماهه دارد. شب طولانی شش ماه دارد. این دلیل از آن انصراف دارد.

###  جمع‌بندی

 بنابراین در سرزمین‌های قطبی که روزهای طولانی چندماهه دارد، آنجا یا این است که زمستان و تابستانی صدق نمی‌کند یا اگر صدق می‌کند ادله انصراف دارد از آنجا. به قول شما شش ماه اجرای حد نکند که آنجا ظهر و وسط روز بشود، این دلیل کاملاً منصرف از اینجاست و کاری به آن ندارد. لذا آنجا تخییر حاکم است. تخییر که اینجا باید حد فوری اجرا بشود. مگر ضرر شدید داشته باشد. نمی‌توانیم بگوییم اینجا چون انصراف اصل است، پس دلالت آن را عوض کنیم.

لذا در فرع ششم و هفتم می‌گوییم نه، ملاک همان تابستان و زمستان است، در هر منطقه‌ای. به هوای معتدل سازی شده و هوای نرم متعادل تابستانی و زمستانی منطقه کار نداریم. تابستان هر جا صدق کرد، باید ظهر زده نشود. زمستان هر جا صدق کرد، صبح نباید بزنند، ولو هوا را معتدل کرده باشیم، ولو زمستان و تابستان اروپایی باشد. فرقی نمی‌کند. اما شب و روز قطبی، در آنجا می‌گوییم دلیل در آنجا موضوعیت ندارد، در آنجا زمستان و تابستانی نیست، اگر باشد، انصراف دارد.

## فرع نهم: ممنوعیت زمان‌های دیگر

فرع نهمی که اینجا مطرح می‌شود، این است که در زمستان که می‌گوید در احر ساعات اجرا بشود، طبعاً معنایش این است وقتی گفته طرف صبح و بعدازظهر نباشد، شب به‌طریق‌اولی نمی‌شود. یعنی زمستان شب و صبح و طرف بعدازظهر که هوا سرد می‌شود، نباید زد. البته عنوانی که اینجا دارد، این است که فی آخر ساعه من النهار.

اما اگر بگوییم این‌ها عنوان مشیر به اعتدال و عدم اعتدال هواست، طبعاً تکلیفش به این شکل می‌شود که در تابستان شبش هوا معتدل است و اعتدال بهتری دارد و مانعی ندارد ولی زمستان مانعی دارد چون معمولاً زمستان غیر معتدل است.

اگر بگوییم عین خود دلیل موضوعیت دارد و باید خود دلیل را ببینیم، باید بگوییم حد در هر دو به نهار قید زده است. و ظهر باید اجرای حد بشود. یعنی شب خارج از این است. مگر اینکه بگوییم نه، اصلاً روایت در اینجا نگاهش به روز نیست. موضوعیتی به روز ندارد. تکیه‌اش بر ابرد و احر است. نگاه روایات معطوف به ابرد ساعه و احر ساعه است.

خیلی نزدیک به ذهن است که امام در این روایات کار به نهار ندارد، یعنی عنایتی به نهار ندارد. بحث ابرد و احر ساعت است، اگر این‌طور شد در زمستان به‌طریق‌اولی در شب نمی‌شود زد و در تابستان به‌طریق‌اولی این طرف صبح می‌شود زد. و لذاست ما می‌گوییم در زمستان شب نمی‌شود، ولی در تابستان شبش می‌شود.

## حکم سایر فصول سال

این بحث‌ها همه در شتاء و صیف است، در فصل بهار و پاییز حکم چیست؟ این هم باز از فروعی است که در کلمات فقها مطرح نشده است و واقعاً هم داوری در این پنج، شش فرعی که داریم، دشوار است. باز در اینجا اگر ضرر وجود داشته باشد، باز تابستان و زمستان و بهار و پاییز ندارد، در آن بحثی نیست. اما اگر ضرر نداشته باشد، این محدودیتی که آمده در دلیل، قائل به شتاء و صیف است، همان دو احتمال در اینجا وجود دارد. اگر گفتیم ملاک همان اعتدال و عدم اعتدال است، ابهامی ندارد، ممکن است بگوییم ظهرش گرم می‌شود یا برعکس. در مورد بهار و پاییز دلیل ساکت‌تر می‌شود. بهار و پاییز دیگر ظهر باشد، شب باشد، صبح باشد، ادله اطلاق دارد و می‌گوید فوری باید اجرا کرد، هر وقت شد، شد. این هم در این جهت.

## اعتدال هوا در شتاء و صیف

و اما آخرین نکته‌ای که هست، این است اگر در شتاء و صیف هوا معتدل شد. این‌طور است، گاهی تابستان چند روز خنک می‌شود یا زمستان چند روز هوا معتدل و گرم می‌شود، اینجا می‌شود یا نمی‌شود؟ این هم الجواب الجواب، اگر موضوع را شتاء و صیف و ابرد ساعه و احر ساعه گرفتیم که حق هم همین است ولو در یک تابستان خنک روز خنک تابستانی، باز نمی‌شود ظهرش حد زد، چون اعتدال حکمت است، علت نیست.

### عرفیت فوریت

فوریت عرفی است، مگر در تابستان و زمستان که بایستی در زمستان وسط روز باشد، صبح زود و شب درست نیست. تابستان یا شب و یا فی طرفه نهار باشد و وسط ساعات گرم روز، نباشد و همین هم موضوعیت دارد. تغییر دادن هوا تفاوت سرزمین‌ها و سایر چیزهایی که گفتیم در این حکم اثری ندارد.